

ما می‌گوییم:

در استدلال به آیه نفر اشکالاتی مطرح است:

اشکال اول)

«لعل» (در لعلهم یحذرون)، به معنای ترجی است. و ترجی یعنی «امیدواریم که بر حذر باشند» و از این تعبیر وجوب تحذر قابل استفاده نیست.^۱

جواب:

۱. ترجی حقیقی (امید داشتن) در حق خدای متعال محال است. پس لعل در معنای ترجی حقیقی استعمال شده است ولی مراد جدی آن است که «خدا دوست دارد و این مطلب برای خدا مطلوب است»
ان قلت: مطلوبیت اعم است از استحباب و وجوب.
قلت:

اولاً: در بحث ما همه کسانی که قائل به مطلوبیت تقلید شده‌اند، قائل به وجوب هستند. پس اجماع مرکب بر وجوب تقلید است.

ثانیاً اگر علت تحذر موجود هست، واجب است که مکلف بر حذر باشد و اگر علت تحذر موجود نیست، اصلاً بر حذر بودن مطلوب استحبابی هم نیست.^۲

[ما می‌گوییم: چون احتیاط را علی کل حال دارای حُسن می‌توان دانست، می‌توان در جایی که علت تحذر کامل نیست ولی احتمال خطر موجود است، حکم به استحباب تحذر کرد.]

۲. حتی اگر بگوییم مراد جدی از «لعل»، معنای امیدوار بودن» باشد، باز هم به دلالت التزام می‌توان مطلوبیت تحذر را از این تعبیر استفاده کرد.

به عبارت دیگر در جواب اول، گفتیم «مدلول مطابقی جدی»، مطلوبیت است ولی طبق این بیان، «مدلول التزامی جدی»، مطلوبیت است.

۱. ن ک: کفایه، ج ۲، ص ۷۳

۲. ن ک: همان

